

چهره‌های شعر امروز ایران ۵



متولد ۱۳۳۴، همدان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فارغ‌التحصیل رشته مهندسی راه و ساختمان، دانشگاه علم و صنعت ایران ۱۳۶۳
پرسنل جامع علوم انسانی
متاهل است و یک دختر دارد: خزل.

کتابها:

- ۱ - در پناو تجیر آبی عشق؛ مجموعه شعر (زیر چاپ).
- ۲ - ارمغان جلیلی خرمن‌ها؛ ترجمة اشعاری از شاعران معاصر جهان، ۱۳۶۱، (با اضافات زیر چاپ).
- ۳ - پنجره‌هایی به فصل پنجم سال؛ ترجمة اشعار امیسه نوس الیسیس (زیر چاپ).
- ۴ - سمندر؛ ترجمة ۳ دفتر از اشعار اوکتاویو پاز، (زیر چاپ).

هرثیهٔ اهید

با پیر ما، مهدی اخوان ثالث

آن شب کتاب را بستی
ماه آخرین نگاه را
بر کتابِ تو انداخت
وز پشت کاج پیر
غمگین گذشت و
رفت

فرداش
خفته بودی ...
آن شب تمام روزهای شعرِ ما
شب شد ؟ —

طبیل کبوه مرثیه

در قلب شاعران کویید
بر برگهای داغ درختان با غها
غبار تیره نشست
واز ذهن ابرهای بی رمق آسمان تابستان
رؤیای موجهای مشوش دریا گذشت؛

اکنون در جست و جوی تو در دیرگاوه شب
دیری است
از کوچه باغ سنگی تاریک
آواز سرخ سیب من آید
وما انعکاس سپید گیسوانت را
فقط میان آینه ماه من بینیم.
شبابش شعرهات
پیمانهای خالی خود را
بر خاک من نهیم:

وناگاه
ما بی امید

بغض تهمی مان

بدون اشک من ترکدا

موعد

دیری است
باغ سیاه چشمش
در انتظارِ موعد

مانده است

بر دور دستِ خاک
و باد
در گیسوانِ بلندش
تنبور می‌زند.

□

در دور دستِ خاک
قبه‌ی عظیمِ خون
بالای تُنِ ستونِ استخوان و عقیق

می‌چرخد

و بر کناره جوباره‌های آه
نیلوفرِ سیاه
می‌روید.

□

شب
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سیلِ ستاره می‌گردد

بر آسیابِ باد

جامع علوم انسانی

و یار

زلالِ اندامِ خویش می‌شوید
در آبشار فریاد.

لحظه

وازگونه در ساعت
گردشِ گیج عقربک در ابر.

□

آه

دور از تو آفتاب
آنینه تکرّر درد است
و حسرتا، دیری است
نقل سیاه ثانیه سالی است —

□

گردشِ گیج عقربک در ابر
آسمان
وازگونه در ساعت

۱۱۸

روزنه‌های خزانی

۱

رنگین کمان
از پس پشتِ خاکسترِ نمناکِ ابر
سرک می‌کشد: پوشکانه علم انسانی و مطالعات فرنگی
لحظه‌های شگرف شیدایی!

پهلو جامع علم انسانی

نفیرِ نی لبکِ باد و
آوازِ چوبی پائیز
در غرفه‌های باع،
کلاغهای دور دستِ خاطره
در ابرهای خیس

می‌چرخند.

۳

باد در دشتِ خالی خاموش
عابرِ عصرِ تلخِ تنها بی است.

سارهای سیاه صحرایی
بر سیم‌های سرد تلگراف
کز کرده، خفته‌اند.

یادهای قدیم ما در باد
میان تیرگی خار و خاک می‌پوستند
و در سوز سرد عصر
آن‌سوی سیم‌های طولانی
یاران دیگری
از روزهای گرم تازه می‌گویند.

